



فرهنگ توصیفی هنرهای ایرانی

نازیلا دریایی

www.ketab.ir

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



فرهنگ توصیفی هنرهای ایرانی

تألیف نازیلا دریایی

ویراستار و نسخه بردار: مریم نوبخت
بازبینی فنی: لایلا محسنی
صفحه آرا: مرضیه دین پناه
طراح جلد: علیرضا دریایی
ناظر چاپ: حمیدرضا دمیرچی
مرکز نشر دانشگاهی
چاپ اول ۱۴۰۳
تیراژ ۱۰۰
چاپ و صحافی: توس
۲۳۰۰۰۰ تومان



9 789640 117095

نشانی فروشگاه: خیابان انقلاب، روبه روی سینما سپیده، پاساژ خیبری، پلاک ۱، تهران، ۶۴۴۰۸۸، ۶۴۴۱۰۶۸۶
فروش اینترنتی: www.iup.ac.ir

حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاهی محفوظ است. فهرست نویسی پیش از انتشار با بایخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: دریایی، نازیلا، ۱۳۳۶.

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ توصیفی هنرهای ایرانی / نازیلا دریایی.

مشخصات نشر: تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۷۸ ص.

فروست: مرکز نشر دانشگاهی؛ ۱۷۰۹. هنر، معماری و شهرسازی (هنر)؛ ۱۰.

شابک: 978-964-01-1709-5

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: هنرهای ایرانی - اصطلاح‌ها و تعبیرها

موضوع: Arts, Iranian - Terminology

موضوع: هنرهای ایرانی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی

موضوع: Arts, Iranian - Dictionaries - English

موضوع: زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها - فارسی

موضوع: English language - Dictionaries - Persian

شناسه افزوده: مرکز نشر دانشگاهی

Iran University Press

رده‌بندی کنگره: N ۷۷۸۰

رده‌بندی دیویی: ۷۰۹/۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۲۱۳۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

صفحه

پنج

۱

۲۴۵

۲۵۱

عنوان

پیشگفتار

فرهنگ توصیفی

کتابنامه

فهرست مدخل‌ها

www.ketab.ir

پیشگفتار

در حیطه هنرهای ایران، مؤسسات، مراکز دانشگاهی و سازمان‌های درخور توجهی به تحقیقات موضوعی مشغولند اما به نظر می‌رسد نظامی یکپارچه برای پیوستن همه این مراکز به یکدیگر و آگاهی بیشتر از مطالعات و تحقیقات وجود ندارد. مراجعه به یکایک مراکز یادشده و دست یافتن به اطلاعات نیز امری محدودیت‌زا و گاهی از امکان ساقط است. این مسئله موجب محدودیت زمانی حاضر در استفاده از منابع می‌شد با اینکه یقیناً تحقیقات و تألیفات درخور توجهی در مراکز یادشده موجود است.

محدودیت دیگر نبود امکان فعالیت میدانی و گفت‌وگو با هنرمندان در مناطق گوناگون بود. طبعاً تصویر داشتن از مدخل امری ابتدائی است اما ممکن نبود زیرا تهیه تصویر مناسب هر مدخل رجوع به میدان را به همراه عکاس می‌طلبد، ضمن اینکه لزوم رنگی بودن تصاویر هزینه‌های چاپ و در نتیجه قیمت کتاب را افزایش داد.

مسئله حائز اهمیت دیگر ضرورت گردآوردن فرهنگ هنر و پیشه‌های هنری ایرانی، اصطلاحات، مراحل کار و ابزار و وسایل به گویش‌های بومی و محلی مناطق ایران است. به تحقیق این کار تاکنون صورت نگرفته و امید است شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی‌ای که امکان آن را دارند بدان مبادرت ورزند. تفکیک نشدن هنرهای ایرانی براساس گویش‌های بومی مناطق بر طبقه‌بندی کلی تولیدات نیز تأثیر گذاشته چراکه گاهی شیوه تولید و گاهی نام محصول سرعنوان را به خود اختصاص داده حال آنکه شیوه کار یکی است ولی چون اصطلاحات بومی‌سازی نشده‌اند در جایی نام محصول به زبان محلی آمده که فقط در گویش با عنوان دیگر متفاوت است نه در شیوه کار. بحث مواد اولیه و ابزار خود قابلیت جمع‌آمدن در کتابی مستقل را دارد. بنابراین،

می‌بایست محققانی متخصص و بومی از مناطق کشور، به صورت مشارکتی، همراه با تحقیقات میدانی، چنین اصطلاحاتی را برای رشته‌های گوناگون استخراج، مقایسه و تنظیم کنند. بدیهی است هدف چنین کاری حفظ دانش بومی ملت‌هاست که امروزه جای خود را به خوبی به مثابه حوزه‌ای مستقل از علم باز کرده و با فرهنگ عامه در ارتباط است. کلید این گنج‌های دانش عمدتاً نزد سالخوردگانی است که با رفتن آنان دانش بومی و میراث معنوی ایران به خاک سپرده خواهد شد.

با پیش‌تر رفتن کار تألیف فرهنگ توصیفی، وقوف بر این مسئله بیشتر نمود یافت که هر لحظه ممکن است مطالبی بر مطالب قبلی اضافه شود که یا در سنوات قبل نوشته شده است یا در زمان‌های جاری و آتی اطلاعاتی درباره آن موضوع به دست خواهد آمد لیکن بدیهی است که دستیابی به همه اطلاعات امری محال و دامنه حوزه‌های شناختی علوم در حیضاتی بن‌هنر لایتهای و نامحدود است.

برای هنرهای ایران، البته به عبارت خاص‌تر، صنایع دستی یا هنرهای سنتی، دو نظام طبقه‌بندی تعریف شده است: اول، بر اساس مواد اولیه و، دوم، از حیث شیوه ساخت. شایان ذکر است که فرهنگ حاضر، بدون اشاره صرف به یکی از این دو، عنوان کلی هنرها را بر خود دارد لیکن، در تقسیم‌بندی کلی، گروه‌های اصلی مواد اولیه بیشتر مدنظر قرار گرفتند و بعد از استخراج داده‌ها مطالب به صورت الفبایی ادغام و تنظیم شدند. از این حیث، تعارضی با برخی مداخل تعریف‌شده در متن پیش نیامد که جایی کلیت اسلوب تولید تعریف شده است و گاهی مداخل به نوعی تولید می‌پردازد. دامنه بی‌حد و حصر تعامل هنرهای ایرانی کار طبقه‌بندی مستقل آنها را از آسانی به در می‌برد. برای نمونه، هنر سوخت‌چرم مراتب تعالی خود را در گروه هنرهای چرمی و در ادامه کار تجلیدگران کتاب طی می‌کند.

اما مشهود است که فرایند پیچیده طبقه‌بندی انواع هنرهای ایرانی بر مبنای داده‌های متقن علمی و ساختار معیاری پذیرفته همچنان نیازمند تفحص و بررسی است. اشاره به مثال این استناد مفهومی را بارزتر می‌کند، چنان‌که گاهی روش تولید منجر به نام‌گذاری عنوان رشته شده است، مثل خراطی در گروه هنرهای چوبی، و گاهی اسم محصول تولیدی، مثل جهله در گروه هنرهای سفالین، و گاهی نوع کاربری اثر، مثل سجاده در گروه منسوجات. همچنین، در بعضی موارد، مداخلی مشابه در گروه‌های نامشابه جای

گرفتند که دلیلی است بر توضیحات مفهومی مدخل در گروه‌های متفاوت، مثل تعریفی که از علاقه‌بندی در ارتباط با پراک‌آلات و نواریابی قید شده است.

در پایان، درخور ذکر است که در فرهنگ حاضر گروه هنرهای نمایشی و موسیقی، معماری و پوشاک (غیر از مداخلی چند) پوشش داده نشده‌اند.

همه هستی من به‌یمن وجود پدر و مادر به برکت رسیده است و دمی فارغ از یاد آنان زندگی نکرده‌ام. اثر حاضر را به بارگاه عظیم‌الشأن ایشان پیشکش می‌کنم: در یکتای حیات، مادرم، و زنده‌یاد پدرم.

ضمن تشکر از استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر حسین یاوری، از مرکز نشر دانشگاهی و کارکنان متعهد و فهیم آن، سرکار خانم‌ها مژگان فتوحی و مریم نوربخش، نیز سپاسگزارم.

نازیلا دریایی، ۱۴۰۳